

ثراله خانم بسیار عزیز و بسیار دوست داشتنی

سلامی چوبوی خوش آشنائی بر بر آن مردم دیده را روشنائی . امیدوارم که تندرست و کامیاب باشید .
میان نامه اخیر و نامه قبلی شما ، پنج ماه درست فاصله افتاده است (۲۵ ژانویه تا ۲۵ ژوئن) و من از عبارات نخستین نامه اخیرتان دریافتم که حادثه ای بر شما گذشته است و آن حادثه (مطابق حدس من) فرود آمدن از چهارپایه و یا احتمالاً نزدیکان کوتاهی بوده که در کتابخانه قرار داشته است و اگر این حدس من درست باشد ، می توان گفت که زمین به بلندپروازی شما رشک برده و در فرود آوردن ناگام مانده است !
باری ، امیدوارم که در حال حاضر و در روزهای آینده ، از تندرستی کامل برخوردار باشید و تغییر منزل را با سلامت و توفیق به انجام رسانید و تبریکات من و «ثراله» را نیز ، که از پیش به خانه جدیدتان دعوت شده ایم ، پیشاپیش بپذیرید .

در باره اشعار تازه من پرسشی مهر آمیز کرده بودید که پاسخش را به کوتاهی و با این عبارت می دهم که از بعد انتشار « زمین و زمان » ، آنچه را که سروده ام « در ماهنامه « روزگار نو » به چاپ رسانیده ام و گمان می کنم که شما ، همه آنها را خوانده باشید اما در حال حاضر ، اشعاری در من می جوشند که هنوز حالت « مُزاب » دارند و قالب به خود نپذیرفته اند و بدیهی است که به محض قالب پذیرفتن ، آنها را بر شما عرضه خواهم داشت .
و اما ، پرسش دیگر شما را نیز (در باره چاپ و انتشار نامه پذیرایی که در ^{فقط} « زمین و زمان » نوشته بودید) بی پاسخ نمی گذارم و به عرضتان می رسانم که از آغاز به فکر آن بودم و به شما هم نوشتم که نامه خانم « سیمین بهبهانی » و نامه شما را با هم در مجله ای به چاپ خواهیم رساند ، و چون فصلنامه « ایران نامه » (که در « واشینگتن دی سی » چاپ می شود) شماره تابستان خود را به « زن در ایران » اختصاص خواهد داد ، با سر دبیر آن فصلنامه : آقای دکتر « هوزر حکمت » متوافق کرده ام که هر دو نامه را برای او بفرستم و در صورتی که لازم باشد (البته با اطلاع و موافقت شما) سر آغاز نامه را که جنبه خصوصی دارد ، از متن اصلی آن جدا کنم . چه صلاح می دانید ؟ راستی ، شعر طنز آمیزتان را خواندم و پسندیدم . زحمت کوچکی هم بر شما روا می دارم و آن ، رساندن (با پوست و یا هر وسیله دیگر) و یا سپردن نامه کوتاهی است که من برای خانم « زیبا کرباسی » نوشته و ضمیمه همین دستخط کرده ام . این خانم (که افتخار آشنائی با او را تاکنون نداشته ام) مجموعه اشعار خود را برای من فرستاده ، اما نشانی و یا شماره تلفن خود را ذکر نکرده است و من ، چون در ضمن مطالعه کتابش دیدم که فصلی از آن را به شما تقدیم داشته است لذا طبع کردم که نامه سپاسم را به وسیله شما برای او بفرستم . امیدوارم که این محل را بر من بخشانید .
«ثراله» سلام و تنای فراوان برای شما دارد و من نیز در دو سپاسم را به شما و همسر عزیزتان عرضه می دارم . دوست شما : نادریان